

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نکات مهم و کلیدی

روش تحقیق در مدیریت

ویژه دانشجویان دانشگاه پیام نور

فصل اول

۱- شناخت در لغت به معنی آشنایی، دریافت، ادراک و فهم و معرفت است.

۲- شناختن عبارت است از دانستن، معرفت یافتن، وقوف یافتن و اقرار و اعتراف کردن.

۳- اپیکور حکیم یونانی نخستین کسی است که مدعی بود، شناخت و معرفت فقط از راه حواس به دست می آید.

۴- شناخت دریافتی است که حواس و ذهن و عقل مشترکا در آن دخالت دارند.

۵- منابع گوناگونی را که انسان برای شناخت بکار می برد عبارتند از: (خیلی مهم)

اول. استناد به مقام صلاحیت دار

این روش همان روش باور ایجاد شده است که طی آن افراد با استناد به مرجع و مقام صلاحیت دار، درست و نادرست را از هم تشخیص میدهند.

براساس این روش اگر دانشمندی در مورد یک موضوعی اظهار نظر کند نظر وی پذیرفته می شود.

دوم. شیوه های شهودی

این شیوه که دومین راه دانستن یا تثبیت باور است روش پیشینی (مقدم بر تجربه) است که کوهن و نگل آن را روش شهودی نامیدند.

معتقد است که مردم از طریق ارتباط و مبادله آزاد می توانند به حقیقت دست یابند؛ زیرا تمایل طبیعی آنان به سوی حقیقت است.

سوم. شیوه تفکر منطقی

برای کمک کردن به کشف حقیقت و پیشگیری از خطاهای فکری، بشر تفکر منطقی را ابداع کرده است.

در تعریف تفکر گفته اند که فکر کردن حرکتی است مستقیم از سوی مجهول به طرف معلوم.

درست فکر کردن و نتیجه گیری از اندیشه صحیح، یکی از موضوعات علم منطق است.

منطق مجموعه ای از فنون است که به کاربردن آنها منجر به طرز تفکر منطقی می گردد.

فنونی که در منطق برای اثبات نظریات یا پیشگیری از خطاهای فکر به کار می رود استدلال نامیده می شود و استدلال یعنی طلب دلیل کردن.

۶- انواع استدلال (خیلی مهم)

اول. قیاس

به دلایلی گفته می شود که طی آن از یک وضعیت کلی به جزئیات پی می بریم.

از طریق معلومات کلی ، مجهولات جزئی کشف می شود .

شرط صحت قیاس درست بودن مقدمات است. اگر مقدمات یا روابط بین آنها درست نباشد نتیجه هم نمی تواند درست باشد.

دوم. استقراء

تعمیم دادن خاصیت یک جزء به کل، یا تجزیه و مشاهده خواص چند شی جزئی واستخراج یک قانون کلی برمبنای عمومیت دادن آن خواص بر همه اجزا.

اکثریت قوانینی که تاکنون کشف شده اند وعلوم طبیعی وفیزیک وشیمی بر آنها استوار است از راه استقراء بدست آمده اند.

سوم. تمثیل

مثال آوردن به منظور اثبات نظریات از استدلال های مهم عامیانه است.

اکثرا " استدلالی ضعیف محسوب شده وفاقد ارزش تحقیقی است.

چهارم. روش علمی

روش علمی اغلب با نتیجه گیری های کمی سروکار دارد و قابل توضیح به زبان ریاضی می باشد وروابط بین اجزای مختلف آن کاملاً مشخص وحساب شده است.

استقراء علمی که در آمار به آن نمونه وجامعه می گویند ناشی از تفکر علمی است.

بیان تفکر علمی بر استقراء اصلاح شده قرار دارد و در واقع فکر کردن به روش علمی،اساس کار را بر مشاهده وتجربه قرار می دهد.

در اوایل قرن هفدهم فرانسیس بیکن انگلیسی،استقراء را اساس کار خود قرار داد.اواز مشاهده مستقیم پدیده ها طرفداری می کرد وبا بهره گیری از استقراء، منطق را از برخی محدودیت های قیاسی آزاد نمود.

✚ براساس کدام یک از منابعی که برای شناخت انسان بکار می رود اگر دانشمندی در مورد یک موضوعی اظهار نظر کند نظر وی پذیرفته می شود ؟ (نیمسال اول ۹۵-۹۴)

الف - شیوه های شهودی ب - شیوه ی تفکر منطقی ج - استناد به مقام صلاحیت دار د - روش علمی

پاسخ : گزینه (ج) صحیح است .

در کدام یک از منابعی که برای شناخت انسان بکار می رود به نظر می رسد اندیشه این باشد که مردم از طریق ارتباط و مبادله آزاد می توانند به حقیقت دست یابند؛ زیرا تمایل طبیعی آنان به سوی حقیقت است ؟ (نیمسال دوم ۹۴ - ۹۳)

الف - شیوه های شهودی ب - شیوه ی تفکر منطقی ج - استناد به مقام صلاحیت دار د - استناد به مرجع پاسخ : گزینه الف صحیح است .

کدام گزینه اکثرا " استدلالی ضعیف محسوب شده و فاقد ارزش تحقیقی است ؟ (نیمسال دوم ۹۵ - ۹۴)

الف - تمثیل ب - قیاس ج - استقراء د - منطق

پاسخ : گزینه (الف) صحیح است .

۷- تعاریف مختلف علم

علم، دانش یا آگاهی و معرفت است و از نظر لغوی ادراک مطلق یا حصول صور اشیا نزد عقل را گویند.

از نظر آلبرت انیشتین کوششی که به منظور تطبیق حیات تجزیه شده و متنوع به یک سیستم فکری که از نظر منطقی منظم باشد علم نامیده می شود.

علم به دانستنی هایی اطلاق می شود که با روش تحقیق به دست آمده باشند.

پس علم معرفتی است منظم که با روش های معینی بدست می آید و قوانین یا روابط پایدار و واقعیت ها را بیان می کند.

۸- در ارتباط با علم دو دیدگاه عمده وجود دارد:

اول. دیدگاه ایستا

بیانگر این است که علم فعالیتی است که اطلاعات نظام یافته ای را در ارتباط با جهان فراهم می سازد.

در این دیدگاه علم به عنوان روشی برای تبیین پدیده های مشاهده شده تلقی می شود.

در این حالت، تاکید بر وضعیت فعلی دانش و افزودن بر آن و بر مجموعه قوانین، نظریه ها، فرضیه ها و اصول موجود است.

دوم. دیدگاه پویا

علم را بیشتر به عنوان فعالیت یا آنچه که دانشمندان انجام می دهند در نظر می گیرد.

وضع فعلی دانش مبنایی برای پژوهش بیشتر و نظریه علمی جدیدتر تلقی می شود. این را دیدگاه اکتشافی می نامند.

دیدگاه اکتشافی در علم بر نظریه و طرح واژه های مفهومی با ارتباط درونی تاکید دارد.

تاکید اکتشافی بر کشف تاکید دارد و همچنین روش اکتشافی را می توان روش حل مساله نیز خواند.